

بازخوانی تصاویری ماندگار از روزهای شیرین سینمایی در گفت و گو با مرضیه برومند

من عاشق کارهای نشدنی هستم

در دنیای عروسک‌ها مرگ وجود ندارد، اما در شهر موش‌های من پیروی و مرگ هم بود

مثل آشپزباشی که نماد رضایان بود

پنهان شیربانی: از حضور مرضیه برومند به عنوان مدیرعامل خانه سینما مدت زمان زیادی نمی‌گذرد، گرچه عمر حضورش به عنوان مدیر عامل این نهاد صنفی زیاد نیست، اما تا به امروز برنامه‌های بسیاری را در اولویت رسیدگی قرار داده و قدم‌های مثبتی برداشته است. برومند معتقد است: «سینما باید شان خودش را پیدا کند، چرخه‌ای که کند شده است، باید به حرکت دربیاید. موانع تولید را برطرف کند. عدالت شغلی به وجود بیاید و سعی کنیم همه مشغول به کار باشند، رسیدگی به امنیت شغلی سینماگران ازجمله اولویت‌هایی است که برومند به آن اشاره می‌کند. درگفت‌وگوی پیش‌رو با مرضیه برومند درباره دغدغه‌های این روزهایش به عنوان مدیرعامل خانه سینما صحبت کردیم و بخش دیگری از کارنامه هنری او به عنوان کارگردان را مرور کردیم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.



عیسی و کارگردانی در فیلم شهر موش‌ها

ایران بورسیه شدند. به هر حال ما در جریان رویدادهای عروسکی زنده در دنیا هستیم. کمپانی جیم هنسن شبیه ما کار می‌کند، با این تفاوت که امکانات آنها به مراتب بیشتر و بهتر است. اما از نظر تبحر عروسک‌گردانی شبیه به هم هستیم، از نظر من فضا سازی، شخصیت پردازی، طراحی و ساخت عروسک و لباس عروسک در «کلیله و دمنه» بی‌نظیر بود. ولی بی‌توجهی به این کار نوعی به مهری از سمت تمام کسانی است که می‌گویند طرفدار من هستند. مدتی که «کلیله و دمنه» پخش می‌شد بسیاری از من می‌پرسیدند چرا کار نمی‌کنم؟ دلیل اینکه چنین کاری در سکوت پخش می‌شود، بی‌مهری رسانه‌ها به چنین مجموعه‌ای است. من همیشه با دل کم کار کردم. آنچه می‌خواستم بگویم برایم اهمیت داشته است. هیچ‌وقت دنبال پول و درآمد بالا نبودم. البته که پول موضوع مهمی است. من هم شرایط مالی بهتر را دوست دارم. من هم ترجیح می‌دهم در رفاه زندگی کنم تا با خیال آسوده‌تر کار کنم. اما فکر می‌کنم نیت آدم‌ها از کاری که انجام می‌دهند مهم‌تر است. وقتی دست به کاری می‌زنیم باید فکر کنیم هدف چیست؟ جایزه بگیریم؟ پولدار شویم؟ وقتی نیت درست باشد همه چیز خوب پیش می‌رود. البته درست با معیارهای من. چون معیارهای آدم‌ها با هم فرق می‌کند. پس من این حرف را با معیارهای خودم می‌زنم. معتقدم هنرمند نباید از تباطش را با جامعه و چیزی که در حال رخ‌دادن است قطع کند. نباید نگاه نفاذده و هشداردهنده‌اش را فراموش کند. باور می‌کنید تا به امروز هفت، هشت تا آدم پا به سن گذاشته به من گفته‌اند از وقتی در یکی از قسمت‌های «زنی‌زوی گولو» دیده‌اند که هرکسی آشفغالی در خیابان پرت می‌کند، به سمت خودش برمی‌گردد، آشفغالی‌ریختن در خیابان را ترک کرده‌اند. این برای من یعنی تأثیرگذاری. معتقدم هنر مسئولیت دارد، بنابراین هر کسی نمی‌تواند وارد حیطه فرهنگ و هنر شود. باید حتما ک جوشش درونی یا اندیشه و دلسوزی داشته باشد. در این صورت حتما نتیجه کار به دل مخاطب هم می‌نشیند. ما سینمای اجتماعی درخشانی داشتیم. فیلم‌هایی که در آن سال‌ها توسط سینماگران برجسته ما مثل رخشان بی‌اعتماد، زنده‌های عباس کیارستمی، اصغر فرهادی و… ساخته شد از دغدغه‌مندی آنها نشئت گرفته و در نهایت به دل بیننده هم نشست

و موفق بوده است.

مسائل زیادی وجود دارد که زمان اجازه نداده به آنها رسیدگی کنم. این روزها ماجرای قراردادی تپ را پیگیری می‌کنم و از اولویت‌های من است. ماجراهای مربوط به تأمین اجتماعی، ازکارافتادگی، حقوق بازنشستگی، بی‌کاری و بیماری‌های خاص ازجمله مسائلی است که بخش عظیمی از اعضای خانه سینما را شامل می‌شود و باید به‌سرعت به آنها رسیدگی کرد. خدا را شکر تا الان روزی نداشتیم که بگویم چرا امروز کار نکردم، غیر از یکی، روزوی که مرضی بودم و سر کارم حاضر نشدم و البته تمام‌مدت گوشی به دست بودم، تا الان هم پیش خودم شرمنده نیستم. دوستان هیئت‌مدیره هم با تمام ظرفیت مشغول کار هستند. ممکن است برخی انتقادهایی به هیئت‌مدیره و شخص من داشته باشند. نقدهایی مثل اینکه آن‌طور که باید برای اعضای صنوف تلاش نمی‌شود. مهم این است که از مدت حضورم به عنوان مدیرعامل خانه سینما تا همین لحظه که صحبت می‌کنیم شرمنده خودم نیستم که چرا در کاری که باید انجام می‌دادم، اهمال کردم. معتقدم وقتی کاری را می‌پذیری باید برای درست انجام‌شدنش تلاش کرد. زمانی هم که متوجه شدید از پس کار برنمی‌آید، باید خداحافظی کرد. اما در مورد موضوع ارشاد باید بگویم که ما با آنها تعامل می‌کنیم و این اتفاق از سمت آنها هم هست. ما به سمت هدفی حرکت می‌کنیم که واقع‌بینانه باشد. اساسا از کارهای غیرواقع‌بینانه پرهیز می‌کنم. دوست ندارم شعاری بدهم که در جمل محقق نشود؛ چراکه فکر می‌کنم اوضاع را بدتر می‌کند. واقعیت این است که برای بیش از نیمی از اعضای خانه سینما مسائل رفاهی و شغلی در اولویت است. موضوعاتی که با زندگی واقعی سروکار دارد و ما باید هم‌زمان همه اولویت‌ها را با هم پیش ببریم.

● یکی از اهدافی که بعد از پذیرفتن مدیرعاملی خانه سینما به آن اشاره کردید رسیدگی به حقوق کودکان بازیگر است. با توجه به پیشینه شما و دغدغه و مسئولیتی که همواره نسبت به کودکان دارید، این موضوع خیلی دور از ذهن نیست، چه ایده‌ای در این مورد دارید؟

سال‌هاست که این موضوع توجه من را جلب کرده است. بچه‌های زیادی در کارهای من حضور داشتند. مانی نوری که الان جوان رعنائی شده، زمانی که سن کمی داشت، با من کار می‌کرد و تمام‌مدت مراقبش بودم. اجازه نمی‌دادم کوچک‌ترین آسیبی به او برسد. اگر حوصله نداشت و باید استراحت می‌کرد، اجازه نمی‌دادم کار کند. طبیعی است که باید شرایط کار در سینما مناسب یک کودک طراحی شود. ولی متأسفانه موارد بسیار زیادی را شاهد بودم و می‌شناسم که حقوق اولیه کودکان ایپامال می‌شود. حضور آنها سر صحنه فیلم‌برداری با شرایطی مثل تیر کشیدن و ادبیات بد به‌هیچ‌وجه مناسب نیست. ممکن است بچه‌ها شاهد زدوخورد و دعوا باشند و در این شرایط حضور آنها سر کار ناراحت‌کننده است. استفاده از بازیگران به شکل حرفه‌ای خلاف کنوانسیون حقوق کودک است. بچه حق دارد بازی کند، مدرسه برود و بچگی کند و بچه‌هایی که دانما مشغول کار هستند، آن را از دست می‌دهند و بعد دچار ناخنجاری‌های گوناگونی می‌شوند. به مرور که کودک بزرگ می‌شود مشخص نیست، باز هم او را در سینما بخواهند یا خیر؟ و بعد بهره‌کنش پدر، مادر و خانواده از این بچه‌ها وحشتناک است. خانواده‌هایی که با فرزندانشان بیزنس می‌کشند. در تمام این سال‌ها شاهد بودم بچه‌ای که وسط فیلم‌برداری خسته شده و همان وسط صحنه فیلم‌برداری خوابش برده و عوامل بی‌توجه به او کارشان را می‌کنند. رسیدگی به کودکان در سینما ازجمله کارهایی است که سال‌هاست دغدغه‌اش را دارم. خوشبختانه اعضای هیئت‌مدیره انجمن بازیگران هم چنین دغدغه‌ای دارند. چند وقت پیش تماسی از یک مادر داشتم که فکر می‌کرد چون دو بچه خوشگل دارد باید حتما بازیگر شوند یا مدت‌ها قبل تماسی از یک پدر داشتم که گفت بچه‌های او در یک خبوت آذ درمی‌آورد. برای بازیگرشدن بچه تلاش کرده و ظاهرا جایی از او صد میلیون تومان پول خواسته‌اند و همسر این آقا هر طور که شده قصد داشته پول را فراهم کند تا بچه بازیگر شود و به قول خودشان روی آن سرمایه‌گذاری کنند. شنیدن این حرف‌ها برای من دردناک است. متأسفانه فضای مجازی ما هم پر است از مانکن‌های کودک که حالم را بد می‌کند. چرا با بچه چنین برخوردی می‌کنیم؟ این نافی حقوق کودک است. مانی نوری را از طریق فاطمه معتمدآریا که دربی‌اش می‌شد شناختم. بعد از زنی‌زوی گولو به او زیاد پیشکش گذاشتم که خوب آذ درمی‌آورد. برای بازیگرشدن بچه نیت گذاشتم در حین مدرسه‌رفتن کار بازیگری کند. اصرار داشتم او باید تابستان که بی‌کار است و مدرسه نمی‌رود کار کند. بعد از آن هم حواسم به مانی بود که چه کار می‌کند و هم‌بازی‌هایش چه کسانی هستند. هر فضای کاری مناسب بچه نیست. احتمالا به زودی کمیته یا کارگروهی در خانه سینما دور هم جمع می‌شوند و دستورالعمل و آیین‌نامه‌ای برای چگونگی حضور کودکان در فیلم‌های سینمایی یا سریال نوشته می‌شود. بعد از آن گروهی مسئول رسیدگی به کودکان در صحنه‌های فیلم‌برداری می‌شوند و آاز نزدیک چگونگی فعالیت‌ها را رصد می‌کنند.

● خانم برومند وقتی به بخش دیگری از فعالیت‌های شما به عنوان کارگردان نگاه می‌کنیم می‌توان از این موضوع صحبت کرد که شما موج نوطنز در تلویزیون را ایجاد کردید. چطور از ماشین «شهر موش‌ها» پیاژه شدید و سوار «خوردوی تهران ۱۱» شدید؟ موجی از سریال‌های طنز در تلویزیون ایجاد کردید که مخاطبان بسیاری را با خود همراه کرد. تمام کارهای شما از «آرآی‌نگاه زبیا» به بعد لندن طنز خاص خودش را دارد.

از بچگی عاشق کارهای کمدی بودم. عموی داشتم که به من می‌گفت مسخره. بعد فهمیدم مسخره یعنی اینکه کسی که دیگران را به سخره می‌گیرد. از کودکی اطرافم را دقیق نگاه می‌کردم و چیزهایی بانمک در ذهنم می‌ماند. کمدی‌های موقعیت را که برای آدم‌های جدی اتفاق بانمکی می‌افتد. دوست دارم. نکته جالب اینجاست که در نشستی که به منظور بررسی کارهای من توسط پوریا عالمی در کتابخانه ملی برگزار شد، چند منتقد درباره کارهای من صحبت کردند و یکی از آنها به هم‌زمانی کارهای من با شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دوران ساخت آثارم اشاره کرد. مثلا «خوردوی تهران ۱۱» بار شد اقتصادی هم‌زمان بود و کمی هم مصرف‌گرایی باب شده بود. پرداختن به این موضوع در سریال برای من خودآگاه نبوده، ولی قطعاً از اطرافم تأثیر گرفتم. من از شرایط جامعه‌ام تأثیر می‌گیرم. فکر ساخت سریال «آب‌پریا» از سال ۸۳ با من بود. خانواده ما توجه زیادی به مسائل محیط زیست دارند. برادر بزرگ من با پایه‌گذاران فدراسیون کوهنوردی و اسکی است. «آب‌پریا» زمانی شکل گرفت که با بحران آب مواجه شده بودیم. هر روز خبر می‌رسید رودخانه‌ها و دریاچه‌ها یکی یکی خشک می‌شوند. بالاخره همه نمادهای اسطوره‌ای ما پایهای از طبیعت دارند و من از آنها استفاده کردم. من عاشق کارهای نشدنی هستم. از انجام کارهای سخت واهمه ندارم و از اینکه خودم را تکرار کنم متفرم. مثلا «کلیله و دمنه» کار درخشانی است. ولی رسانه‌ها مقابل آن سکوت کردند. درست دیده نشد و کسی درموردش اظهارنظر نکرد. مثبت یا منفی باید درمورد تجربه‌های این‌چنینی صحبت کرد. خودم فکر می‌کنم «کلیله و دمنه» از تکامل‌یافته‌ترین تجربیات من در شکل پروداکشن کوچک‌تری از کارهای عروسکی من است و من این را دوست همکاران عروسکی‌ما خصوصا عروسک‌گردان‌ها هستم. البته که صدایشه‌های هم درجه یک بودند، ولی عروسک‌گردان‌ها در این مجموعه خودی نشان دادند که می‌توانند در سطح جهانی ادعا داشته باشند. تعدادی از آنها با نشان‌دادن نمونه کارشان در بیرون از

● چرا از ساخت سریال فاصله گرفتید؟

«ویلا» مجموعه‌ای بود که قصد داشتم بسازم. ولی سیامک انصاری روز قبل از کلیدزدن کار انصراف داد و در «دورهمی» مشغول شد. قطعاً «ویلا» کار درخشانی می‌شد. من از جمله کسانی هستم که همچنان تلویزیون را دوست دارم. اما ارتباط تلویزیون با مردم را الان اصلا دوست ندارم. چراکه ارتباطش با مردم قطع شده، دیگر تلویزیون را در روستاها هم نگاه نمی‌کنند. مردم همچنان پیگیر سریال‌های ماهواره‌ای و پلتفرم‌ها هستند. کارکردن در تلویزیون را همیشه برای وسعت مخاطبیش دوست داشتم. خاطرهم هست یک بار با خانم بازیگر معروفی به یکی از روستاهای اطراف تهران رفتم. جالب اینجا بود که من را بیشتر از خانم بازیگر می‌شناختند. در صورتی که کارگردان هستم. چرا باید من را بشناسند؟ مردم چهره من را به خاطر دارند و از این جهت فکر می‌کنم معروف‌ترین کارگردان ایرانم.

● «شهر موش‌ها» مجموعه‌ای بود که مخاطبان کودک بسیاری را با خود همراه کرد و سال‌های زیادی به سراغش رفتید و تداوم نداشت. بعد از سال‌ها دوباره قصه‌ای را با همان شخصیت‌ها تصویر کردید. ارتباطی که با بچه‌های نسل جدید برقرار کرد چطور بود؟

خیلی خوب بود. تمام ری‌اکشن‌ها را می‌گرفتم. چندسالگی است از ساخت سری جدید «شهر موش‌ها» می‌گذرد. بچه‌هایی که تازه با شخصیت‌هایی مثل مشککی، کپل و صورتی آشنا می‌شدند، ارتباط خوبی با آنها برقرار کرده‌اند. ۳۰ سال بین ساخت این دو مجموعه فاصله بود، که زمان زیادی است. احساس کردم آن شخصیت‌ها برای بچه‌های گذشته معنا و مفهوم داشته و من برای بچه‌های نسل جدیدتر کار می‌کنم. عروسک‌ها باید برای نسل تازه، لحن و مسائل متفاوت‌تری داشته باشند. بنابراین با وجود قانونی که در کارهای عروسکی و انیمیشن وجود دارد و شخصیت‌ها پیر نمی‌شوند و نمی‌میرند. من قانون را نقض کردم. اتفاقاً عروسک‌ها پیر می‌شوند و می‌میرند؛ مثل آشپزباشی که مرد، این شخصیت برای من رضایان بود.

● تمام شخصیت‌های عروسکی برای شما مایه‌ا دارند؟

بله همه شخصیت‌ها مایه‌ا دارند. گاهی چند شخصیت در یک عروسک گنجانده می‌شود. وقتی خان جان «زنی‌زوی گولو» را بازی کردم، برادرم گفت: «خوب مامان و زینت سادات را قاطعی کردی و بازی کردی.» گفتیم: «اتفاقاً فیزیک و وراهرفتش یک ذره هم خانم چه‌رزه‌آذ بود.» گاهی دو، سه شخصیت را با هم تلفیق می‌کنم.

● کدام‌یک از شخصیت‌های «شهر موش‌ها» خود شما هستید؟

من دهم‌ترزم. همه را اذیت می‌کند و سر کار می‌گذارد و شوخی می‌کند.

● الان با مسئولیتی که در خانه سینما دارید فکر می‌کنید حجم کار اجازه فعالیت در سینما و تلویزیون را به شما می‌دهد؟

اجازه من که دست خودم است. الان در شروع راهم. دوران سخت برنامه‌ریزی و کار برای خانه سینماست. خوشبختانه هیئت‌مدیره همراه و خوبی کنارم هستند. تلاش می‌کنیم به تعاملاتی با ارشاد برسیم و خوش‌بین هستیم همه‌چیز به خوبی طی شود و برنامه‌ریزی‌های من منظم اتفاق بیفتد. من تمام‌وقت از صبح زود تا آخرشب در خانه سینما مشغولم. پنجشنبه و جمعه هم که روز تعطیل است برای من وقت استراحت نیست. باید در برنامه‌های مختلف صنوف شرکت کنم. احساس می‌کنم به‌زودی همه چیز نظم می‌گیرد و به ثبات می‌رسد. اگر به این ثبات برسیم، کاری که نیازش را احساس کنم انجام خواهم داد. شاید به زودی یک فیلم سینمایی ساختم. اما قطعاً نمی‌توانم سریال بسازم، چراکه وقت زیادی از من می‌گیرد. ولی همواره آمادگی دارم به بچه‌هایی که در حوزه کودک کار می‌کنند کمک کنم و مشاوره بدهم و همراهان باشم. چراکه سینمای کودک ما از زائرها فراموش شده است به تعبیر دیگر سرنوشت خوبی پیدا نکرده است. استاندارد قابل قبولی ندارد. امیدوارم بتوانیم سینمای کودک را احیا کنیم. سینمای کودک به توجه و کمک نیاز دارد. همین آداب سینمارفتن و همراه هم فیلم‌دیدن، خریدن و گریه‌کردن وحدت ایجاد می‌کند. الان فردیت در جامعه ما می‌آید، هرکسی به فکر خویش است. چیزی که ما از دست داده‌ایم وحدت است. به نظر من اخلاق و محیط زیست دو موضوعی است که از دست‌دانش جبران‌ناپذیر است. این دو موضوع برایم اهمیت زیادی دارد، چون می‌دانم اگر از دست برود، دیگر احیا نمی‌شود.

بازدید سفیر ایتالیا

از موزه جنگ جهانی دوم ونگارد لاهیجان

داشتند مطالبی را شرح داد.

در ادامه میهمانان از بخش‌های مختلف موزه از جمله اتاق متفقین غربی، اتاق آلمان، اتاق شوروی، اتاق ایران، کتابخانه، سالان نمایش فیلم و اتاق اسلحه بازدید کردند که در هریک از این بخش‌ها مواردی مانند شرایط



ایران در زمان اشغال متفقین، وقایع تأثیرگذار در جبهه نبرد اروپا، مطبوعات آلمان در زمان جنگ جهانی دوم، انواع سلاح و لوازم سربازان و فیلم‌های مستند کمتر دیده‌شده و بسیاری موضوعات دیگر مورد توجه بازدیدکنندگان قرار گرفت.

در پایان، سفیر ایتالیا با ابراز شگفتی از کیفیت محتوایی موزه ونگارد لاهیجان، این موزه را به عنوان مکانی فرهنگی برای جذب گردشگران و پژوهشگران حائز اهمیت دانست.

از طرف موزه ونگارد نیز هدایایی به سفیر ایتالیا اهدا شد. موزه جنگ جهانی دوم ونگارد لاهیجان یکی از معدود موزه‌های خصوصی ایران و هم‌تراز موزه‌های شخصی اروپاست که تاکنون بسیاری از گردشگران ایرانی و خارجی و چهره‌های مختلف فرهنگی از این موزه بازدید کرده‌اند.

